

ویژگیهای تربیت اسلامی

تربیت یک جریان است که از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود و از نظر ارزش و اهمیت میتوان گفت از اساسیترین فعالیتهای بشری بحساب میآید زیرا سرچشمه همه بزرگیها و رشدها را در تربیت باید جستجو کرد ، هر جامعه و فرهنگی دارای نظامی خاص در تربیت است و منظور ما از نظام صورتی سازمان یافته یا مجموعه‌ای از تدابیر در زمینه‌ای خاص است اینکه نظام تربیتی اسلام چگونه تربیتی است در پاسخ میتوان گفت نظامی است که زمینه را برای ساختن انسان و حرکت او بسوی کمال فراهم و تسهیل میکند ، این سیستم با هیچیک از نظامهای موجود جهان نمیخواند و هیچ سیستمی هم شبیه آن نیست نه شرقی است نه غربی ، مزایای آنها را دارد و لسی معایبش را ندارد فکر و روشی مخصوص بخود

اصول و مبانی تربیت اسلامی

دارد و انسانها در آن مسئول و پیشبرد هدفهایی هستند که از آفرینش برایشان تدوین شده است ، و باروش و محتوای خاص سرگرم کاروتلاش میشوند ، افراد بزودی وارد بازار کار شده و رفاهیت نسبی برای خود و جامعه فراهم میآورند ، مادران بحث به ویژگیهایی از این نظام اشاره میکنیم :

فلسفه آن :

نظامی است کامل ، متحول ، کمال طلب ، آرمان جو ، بویا ، مستقل ، انعطاف پذیر ، دارای مکتب و شمول ، مبتنی بر پایداری و ثبات ، منکی به حکمت (یعنی سخن منطقی با شناخت منطقی) ، براساس خودکفائی فکری و دور از جنبه وارداتی ، انقلابی ، عقلانی ، فطری ، اجتماعی ، داشتن واقعیت ها .

تربیت اسلامی وسیلهای است برای تجدید ساختمان ، سوق دادن بکمال ، تعدیل غرائز دادن آگاهی ، ایجاد زمینه برای رشدی همه جانبه ، رسالتی است انسانی که همگان در ایجاد و حفظ آن مسئولیت دارند .

تربیت بر مبنای فطرت است و با بهر بگوئیم که زمینههای فطری در آن مورد نظر است ، مناسبات و ضوابط بر پایه نظام توحیدی و در مسیر تکاملی است ، جنبه های زیستی جرونی آدمی ، تفاوت های فردی ، ابعاد وجودی انسان ، مصالح جمع ، آزادی

و استقلال ، اختیار و انتخاب در آن مورد توجه است .

نظام دارای وسعت نظر است ، سعی در ایجاد فضای باز برای ارشاد و هدایت دارد پذیرش در آن بعنوان اصلی است ، کودک بهرگونه ای که هست ، از زشت و زیبا ، سالم و ناقص پذیرفته میشود ، الفت و انس برای ارتباط فرد با همه جهان مورد توجه است منافع حقیقی و عادلانه بشریت بدون در نظر گرفتن مرزها و رنگها در تربیت مورد نظر است

در هدف :

— سیرنهایی در تلاش رسیدن به بینهایت است و آدمی ناگزیر برای جستجوی پروردگار — هرکس در حدود توانائی و امکان خود در مرحله ای و در پلهای است .

— همه آنچه که در میدان احساس ، آزادی ، دانش ، موفقیت ها هستند ، پذیرفته میشوند .

— کوشش به دادن سیر الی اله ، و تلاش فی اله و دوستی و دشمنی برای خداست .

در محتوا :

— محتوای تربیت از غنای خاصی برخوردار است ، اصل تمامیت و کمال در آن مطرح است نکیه بوحدت بین ماده و معنی ، دین و دنیا این جهان و آن جهان است . همه آنچه

وارد اجتماع و بازار کار میکند و به او درس زندگی اجتماعی و تشکیل خانواده و تربیت فرزند و انجام کار مفید میآموزد و سعی به آموزشهای بعدی در بطن زندگی است .

در روش :

در روش تربیتی اسلام اصل به ایجاد و انگیزه برای فراگیری است و این انگیزه برتر و فراتر از مدرک تحصیلی است ، در آن کسب امتیازات مطرح نیست گویانکه آنهم حاصل شدنی است ، آزادی و اختیار در آن وجود دارد ، کوشش براین است که انسان در گرو سعیش باشد و بمیزان قدرت و استطاعت تکلیف ببذیرد ، از چشم و گوش و فهم برای یافتن درک و بینش سودجوید و در این راه کمترین رفتار و فعالیتش بحساب آید .

کودک آزاد است که خود را آزمایش کند ، اشیاء را برای کشف دستکاری نماید ، اغلب خود را بکار برد و یا بروز دهد ، فکر او را محدود نمیکند ، برای فعالیتش در جثه کنجکاوای دایره‌های نمیکشند ، پرورش فکر و عقل او مورد نظر است ، بنای تربیتش بسر تحقیق است نه تقلید کورکورانه ، رعایت استقلال برای قول و فعل در چهارچوب شرع است و آنجا که عقل و تجربه یاری ندهد تقلید و تبعیت از افراد ذیصلاح است ، روش تعقیب آمیز نیست ، قشرها ، گروهها بطور

که در دوران بزرگسالی مورد نیاز است در دوران کودکی به طفل آموخته میشود از جمله فنون نظامی .

محتوا براساس نیاز زمان ، بتناسب خواست سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی ، جغرافیائی است ، پرورش جسم و جان در آن باهم است ، هیچکدام فدای دیگری نمیشوند بهمانگونه که دنیا و آخرت فدای هم نمیشوند موضوع ایمان و عمل ، علم و اخلاق ، فرهنگ و تمدن ، اعتبارات و ارزشها در آن مورد نظر است .

محتوای تربیت تکیه به جهان بینی توحیدی دارد ، بینش مکتبی و اخلاق اسلامی در آن بدیگران آموخته میشوند ، مناسبات افراد با خود ، با آفریدگار و جهان و دیگران و نیز نوع روابط در داخل و خارج ، از لحاظ سیاسی - اجتماعی ، آموزش نظامی ، سواری ، تیراندازی ، شنا ، تهیه نیرو برای جهاد و دفاع توجه دارد و بموازات آن رشد و قدرت استنباط مورد عنایت است .

محتوای تربیت براساس جنس است ، هریک از دختر و پسر بتناسب مسئولیتهائی که در جامعه آینده پذیرا میشوند تربیت میبینند روابط فیما بین آزاد نیست ، و خانواده واحد بنیادی جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان بحساب میآید .

محتوای افراد را از هفت سال سوم زندگی

مساوی میتوانند از آن بهره گیرند و نیز از دیگران هم میتوان بود جست .

شبهه کار تعلیم و تعلم است ، هرکس در عین اینکه میآموزد باید بیاموزاند و هرکس درباره آنچه را که آموخت مسئولیت نشر دارد .

— مری نقش متذکر و یادآوری کننده را دارد .
— همه دانش خود را به او میآموزد .
— معلم احیاء کننده فطریات است .
— معلم خودالگوی اخلاقی است برای آنچه را که یاد میدهد .

— درعین اعطای آزادی به شاگرد اقتدار و سندیت هم دارد .

— در آنچه که نمیداند میگوید نمیدانم .
— شاگرد در پیش او چون شاگردی در برابر استادکار است .

— شاگرد را بعنوان امانتی از خدا میپذیرد .
— بیش از آموزش به پرورش او توجه دارد .
— فرد را بسوی جهت میدهد که خدا خواسته است .

— درعین تعلیم خود دانشجو و در جستجوی علم است .
— از هر فن برای سازندگی و اصلاح استفاده میکند .

— طهارت اخلاق ، مکتب ، فضیلت برای او اصل است .

— اساس تربیت شاگرد احترام ، الفت ، و گرامیداشت است .

اصل تفرد و اصل اجتماع هریک جداگانه بحساب میآیند ، درعین حال تابعیت خیر و صلاح جمع ، تابع خوب و متنوع خوب پروردن مورد نظر است ، از ویژگیها وجود توبه برای اصلاح فرد و پذیرش اوست برای بازگشت تا زمینه برای تعالی فراهم گردد ، از هرچه که موجب پستی است دور نگاهداشته میشود ، در آن نوعی موعظه و پند دهی است ، تربیت توام با خیر و رحمت است ، جنبه تدریجی آن مطرح است تا در طبایع نفوذ کند و بعد اشاع رسد و گرنه با عجله و شتاب کاری انجام نخواهد شد .

شبهه های تربیتی متنوع است ، هم در آموزش و هم در پرورش ، از همه حواس برای دیدن ، شنیدن ، لمس و تجربه کردن استفاده میشود ، از همه فنون تذکر ، موعظه ، اخطار ، نهید ، تشویق ، ملامت ، تنبیه برای اصلاح سود گرفته میشود ، فرائض و واجبات پله هائی برای ترقی هستند ، جهاد منزه و پاک برای زندگی پاک ، حفظ امانت ، وفای بعهد ، اخلاق و تربیت ، توجیه و حفظ حیات مطرح است ، خود فرد بکار واداشته میشود حتی مادر لازم نیست همه گاه پسان بدهان کودک گذارد بلکه گاهی باید او را وادارد که خود حرکت و آن را پیدا نماید .